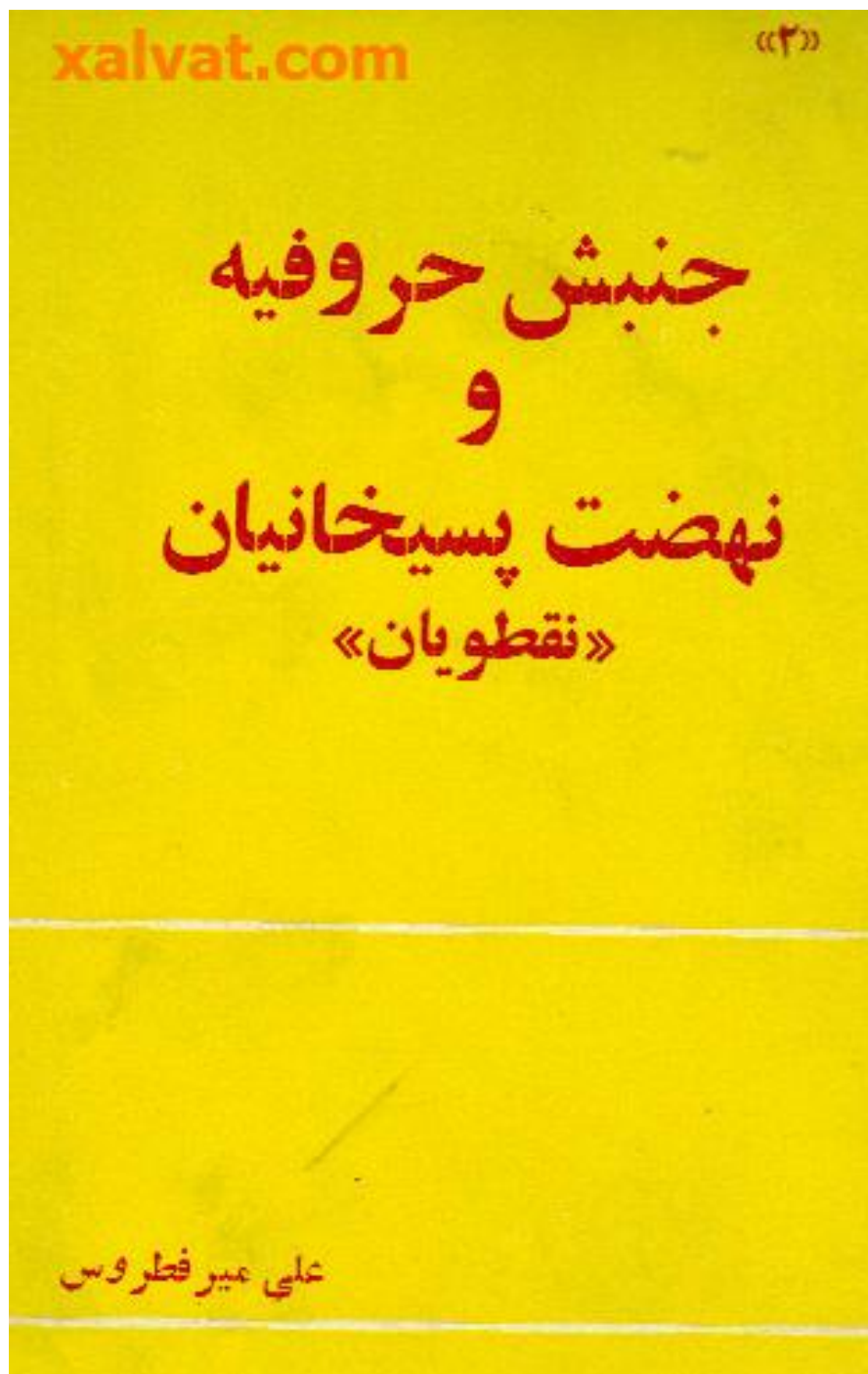




665

نَهْضَت "پسیخانیان" (نقطویان)



جنبش حروفیہ و تہذت پسیخانیاں

تألیف : علی میرقطر ویس

تیراژ : دو ہزار

چاپ : آشنا

صحافی : طاہری

گراور : حمیدی

ناشر : بامداد

xaivat.com

نهضت پسیخانیاں

(نقطویان)

استعن بنفسک الذی لا اله الا هو
از "خویشتن" باری جوی! زیرا که غیر از تو،
نیرو و خدائی نیست.
"محمود پسیخانی"

در باره " پسیخانیاں " اطلاعات چندانی در دست نیست -
و این البته با " سیاست کتابسوزان " و قتل عام رهبران و پیروان
این نهضت، قابل توجیه می باشد.

مستشرقین غربی، مانند: " ادوارد براون " (انگلیسی) و
" ریتر " (آلمانی) در تحقیقات خود راجع به دوران تیموری و
صفوی، از پسیخانیاں با " اکراه " و در چند جمله یاد
کرده اند. xalvat.com

کوشش های " دکتر صادق کیا " (۱) اگر چه میتواند " ماءخذ "
ارزنده ای برای مطالعه " پسیخانیاں " باشد، اما، فاقد هر گونه
تحلیل تاریخی - اجتماعی در پیدایش و سرکوبی این نهضت است.

۱- پسیخانیاں یا نقطویان - انتشارات ایران کوده - سال ۱۳۲۵.

در آثار مورخین و تذکره نویسان فتودال عصر تیموری و صفوی، هیچگونه علاقه ای به تشریح زندگی و عقاید " محمود پسیخانی " (بتیانگزار پسیخانیان) دیده نمی شود و این، بسی شک ناشی از کینه ای است که در آن عصر از طرف پاسداران دین و دولت، متوجه این متفکر بزرگ بوده است.

salvat.com

از منابع و اطلاعات ناچیز موجود، چنین بر می آید که " محمود پسیخانی " از اهالی " پسیخان " (یکی از روستاهای بخش مرکزی رشت) بود. روستای " پسیخان " در تاریخ شورش های روستائی گیلان (قرن هشتم - الی یازدهم هجری) بخاطر موقعیت سوق الجیشی خود، همواره محل جنگ ها و نبردهای حکومت فتودال مرکزی و حکام " بیه پیش " (گیلان شرقی = لاهیجان و لنگرود) و " بیه پس " (گیلان غربی = فومن و رشت) بود. بدین ترتیب " محمود پسیخانی " از آغاز کودکی، با استثمار و مظالم فتودال ها، آشنا شد.

" محمود پسیخانی " ابتداءً از همفکران و یاران " فضل الله نعیمی " (رهبر حروفیه) بود، اما پس از مدتی، از او کناره گرفته و خود به تأسیس سازمان و فرقه جدیدی پرداخت.

تذکره نویسان، علت این " انشعاب " را " خودپسندی " محمود پسیخانی ذکر کرده اند و بهمین جهت او را " محمود - مطرود " نیز گفته اند. اما - به نظر ما، جدائی و انشعاب " محمود پسیخانی " را از " حروفیه " اولاً: به خاطر عقاید افراطی او - و ثانیاً باید در خاستگاه طبقاتی

" محمود " جستجو کرد. (۱)

بطوریکه نوشتیم: " حروفیه " یک نهضت مترقی، مرکب از پیشه وران و صنعتگران خرده پای شهری بود و هدف رهبران آن، اولاً: " نبرد با خان های تیموری بود که منابع اولیه صنعتی را در " انحصار " خود داشتند و بدینوسیله پیشه وران و صنعتگران خرده پا را تحت قیمومت خود در آورده بودند. و ثانیاً: " مبارزه با روبنای عقیدتی آنها (مذهب فئودال ها) بوده است. این نهضت اساساً " ریشه در قشرهای پائین و پیشه وران خرده پای شهری داشت و نماینده منافع صاحبان " حرفه " و فن بود، و بهمین جهت به " حروفیه " معروف گردید.

روستائیان در عصر " تیمور " یکی از سیاه - ترسین و فلاکت بارترین دوره های زندگی خود را میگذراندند.

" تیمور " از طریق تقسیم اراضی بین سران نظامی خود و فئودال های ایرانی (که حامیان محلی او بودند) کوشید تا یک قدرت و حکومت مرکزی را سازمان دهد. این شیوه واگذاری اراضی، که به " سیورغال " (بمعنای هدیه) معروف بود، بهره کشی های

۱- " تقی الدین اوحدی " در مقایسه افکار " فضل الله - نعیمی " (رهبر حروفیه) و عقاید " محمود پسیخانی " می نویسد: سخنان بزرگانه (و کاملانه) " نعیمی " هیچگونه نسبتی با خرافات آن مطرود (محمود پسیخانی) ندارد. (عرفات عاشقین - نسخه خطی) .

بیرحمانه^۱ فئودالی و اسارت هر چه بیشتر روستائیان را به همراه داشت . شیوه^۲ " سیورغال " اختیارات نامحدودی را به صاحبش در روستاها میداد . بر طبق این شیوه ، فئودال ها و حکمرانان محلی فقط موظف بودند که برای حکومت مرکزی سرباز و نیروی نظامی تهیه و تاءمین نمایند . آنها در برابر این خدمت ، در ولایات و روستاها ، چه از نظر قضائی و چه از نظر ارضی و اقتصادی ، دارای اختیارات و حاکمیت مطلق بودند . شیوه^۳ " سیورغال " باعث میشد تا فئودال ها و حکمرانان محلی ، برای کسب منافع بیشتر ، روستائیان را تحت شدیدترین استثمار و بهره کشی قرار دهند .

در اسناد و فرامینی که از دوره^۴ حکومت " تیمور " موجود است ، به وضع " ۱۶ " الی " ۳۰ " فقره مالیات و عوارض جدید ، اشاره شده که گذشته از بهره^۵ مالکانه^۶ فئودالی ، بر عهده روستائیان بود . حق وصول این مالیات های جدید بموجب فرمان هائی ، از حکومت مرکزی سلب و به فئودال ها و حکمرانان محلی منتقل شده بود . (۱)

بهره کشی های بیرحمانه^۷ فئودالی و اسارت و پریشانی روستائیان ، موجب شورش های متعدد روستائی گردید . شورش " شیخ داود سبزواری " در خراسان (برای احیاء حکومت سربداران) - شورش " گودرز " در " سیرجان " ، شورش خونین روستائیان

۱- تاریخ ایران - پیگولوسکایا - پتروشفسکی و - ج ۲ - ص ۴۸۱

" گرگان " (۱) و شورش " بهلول " در نهاوند، و دیگر شورش‌های روستائی در اوایل حکومت " تیمور " نشان دهندهٔ اوج استثمار و بهره‌کشی‌های بیرحمانه و نمایندهٔ دوران واپسین فئودالیسم بود.

salvat.com

" شرف‌الدین علی یزدی " در بارهٔ این شورش‌ها می‌نویسد:
 ... در شورش " سبزواری " ۲ هزار نفر را اسیر کرده، زنده‌لای دیوار برجی نهادند و زنده بگور کردند و از سراسیران، مناره‌ها ساختند. (۲)
 در شورش " سیرجان " و " نهاوند " نیز بسیاری از روستائیان شورشی را سربردند و " بهلول " (رهبر شورشیان نهاوند) را زنده‌زنده در آتش سوختند. (۳)

در چنین شرایطی، " محمود پسیخانی " سال ۸۰۰ هجری از " حروفیه " جدا شد و سازمان سیاسی - فرهنگی " پسیخانیان " را بوجود آورد. او با توجه به خاستگاه طبقاتی خود و با توجه به ظلم و ستم و استثمار و محرومیت شدید روستائیان از خاک (زمین)، با شعار: " خاک (زمین) - اصل و " نقطه " هر چیز است، سخنگوی روستائیان محروم و بی‌زمین گردید و از آن پس، پیروان او به " نُقْطَوِی " یا " نُقْطَوِیَّان " معروف شدند.

-
- ۱- ادوارد براون، این شورش را به " حروفیه " منسوب میدانند (ص ۲۵۴ - از سعدی تا جامی)
 ۲- ظفرنامه - ج ۱ - ص ۲۶۳.
 ۳- ایضا - ص ۵۶۲ - ۵۵۹.

مورخین و تذکره نویسان ، " محمود پسیخانی " را مؤلف ۱۷ کتاب و صاحب ۱۰۰۰ رساله دانسته اند ، (۱) با اینحال هیچگونه اثری از " محمود " باقی نمانده است ، بنظر میرسد که در مورد او نیز (مانند حلاج) سیاست " پاکسازی " و " کتابسوزان " را اجراء نموده اند .

salvat.com

اطلاعات ناچیز موجود ، نشان میدهند که " محمود پسیخانی " متفکر و اندیشمند ژرف بینی بود که در ایجاد یک آئین مترقی - مبتنی بر " انسان خدائی حلاج " - و حل یک سلسله از مسائل فلسفی ، عقاید مهمی را ابراز کرده است .

" ابراهیم بن قاضی نور محمد " می نویسد : " محمود پسیخانی " در رساله " میزان " عالم را قدیم میداند و به اصل تکامل موجودات اشاره میکند . " محمود پسیخانی " در آثار خود تأکید می نماید : (.....) و اکنون ، دین ، دین " محمود " است ، چنانکه گفته اند :

رسید نوبت رندان عاقبت " محمود "

گذشت آنکه عرب طعنه بر عجم می زد . (۲)

محققین تأکید میکنند که : پیروان " محمود پسیخانی " در

۱- دانشمندان آذربایجان - ص ۳۱۶ (ونیز) واژه نامه
گرگانی - ص ۱۴
۲- دبستان المذاهب - ذر عقیده واحدیة - ص ۲۴۶ -
چاپ بمبئی .

نواحی مختلف ایران بسیار بوده و " در ربع مسکون
 پراکنده اند. " xalvat.com

در مرکز آئین " پسیخانی " انسان قرار دارد، نه نیروهای
 موهوم و ملکوتی. این آئین از انسان نمی‌طلبد که به زانو درآید، به
 نیایش بایستد و اطاعت و پرهیزگاری را پیشه خود کند، بلکه مکتب
 " پسیخانی " عزت و استقلال انسان را توصیه میکند.

اخلاق " پسیخانی " در برابر اخلاق مذهبی حاکم بر جامعه،
 قد علم میکند و عقاید فقها و " علمای عظام " را مبنی بر اینکه:
 سرنوشت انسان از طرف نیروئی خارجی (خدا) هدایت میشود، نفی
 می‌نماید. " محمود پسیخانی " به انسان و به نیروهای خلاق و نهفته
 انسان، ایمان و اعتقاد دارد و برای پی ریزی سعادت و خوشبختی
 بشر، تاءکید میکند: " استعن بنفسک الذی لا اله
 الا هو " (= از " خویشتن " یاری جوی! زیرا که غیر
 از تو، نیرو و خدائی نیست).

به عقیده " محمود پسیخانی "، " خدا " سمبول قدرت و نیروئی
 برتر و فراتر از انسان نیست، بلکه در نظر او، خدا سمبل نیروهای
 " خود انسان " است که بشر میکوشد تا در زندگی خود، به آنها
 دست بیاورد.

" محمود دهداری " (که از دشمنان سرسخت پسیخانیان بود)
 می‌نویسد: ... و طایفه دوم از منکران وجود " واجب "، ملاحظه
 " تناسخیه " اند که خود را " نقطویه " می‌خوانند، آنها، خود را

" خدا " میدانند... و میگویند که انسان تا خود را نشناخته، بنده است و چون خود را شناخت، " خدا " است... و کلمهٔ ایشان (پسیخانیان) اینست که: " لَاللّٰهَ الْاَلَمَرَّكَبُ الْمَبِیْنُ " و مراد ایشان از " مَرَّكَبُ الْمَبِیْنُ " انسان است... (۱)

آیا نظریهٔ " خویششن شناسی پسیخانی "، همسایگی‌ها و پیوندهائی با شعار " خودت را بشناس سقراط " دارد؟

" سقراط " اگر چه فلسفه را از آسمان‌ها به زمین کشانید، اما فلسفهٔ او هرگز فلسفهٔ ای جامعه‌گرا و خلاق نبوده است. شعار "خودت را بشناس " سقراط، در واپسین مرحله، به نوعی فرد جوئی (اندیوید و آلیسم) و درون‌گرایی مطلق منتهی میشود. هدف " سقراط " اگر چه پرورش انسان‌ها است، اما، موضوع این پرورش جامعه نیست، بلکه فرد است. از طرف دیگر، شناخت برای سقراط یک موهبت یا بهرهٔ خدائی است که فقط نخبگان و افراد برگزیدهٔ جامعه (یعنی اشراف) از آن بهره مند میشوند و تودهٔ مردم از آن محروم می‌باشند، از اینجا خصلت ایده آلیستی اندیشه و تفکر "سقراط" بخوبی نمایان میگردد. (۲)

در حالیکه " خویششن شناسی محمود پسیخانی " یک پرورش و تکامل اجتماعی را پیش چشم دارد. او با نفی هر گونه مقوله‌های

۱- نفائس الارقام - ص ۲۴ - نسخه خطی مجلس شورای ملی .
۲- نگاه‌کنیده: از سقراط تا ارسطو - شرف‌الدین خراسانی (شرف)

ملکوتی و پندار بافی های متافیزیکی ، شناخت را برای همه انسان ها ،
 میسر و ممکن میداند .
 xalvat.com

خصلت مادی و متری فلسفه " پسیخانی " در این نظریه اش ظاهر
 میشود که او نیز (مانند حلاج) ذات هستی و جوهر طبیعت را ناشی از
 ۲ عنصر مادی (آب ، آتش ، خاک و باد) میداند . او این عناصر
 مادی را " ذات مربع " مینامد .

" پسیخانی " مانند بیشتر ماده گرایان شرق به " حواس " ارزش و اهمیت فراوان میدهد و هر گونه کوششی را در تشریح و تبیین
 هستی (به اتکای دین و افسانه های ملکوتی) انکار میکند .

نکته مهم در تفکر " محمود پسیخانی " نظریه " شناخت اوست ،
 شناخت برای او بیش از هر چیز ، بر اساس ادراک حسی است .
 آخرین سرچشمه " شناخت بنظر " پسیخانی " نه ذهن (تصور)
 بلکه واقعیت عینی و محسوس می باشد . " دهداری " تأکید میکند :
 ... و از جمله اصول " پسیخانیاں " یکی آنست که موجود نیست ،
 مگر مرکب و محسوس ... و ایشان (پسیخانیاں) منکر وحدت و
 بساطت هستند ... و تصور را ، گواذب (دروغ) میدانند . (۱)

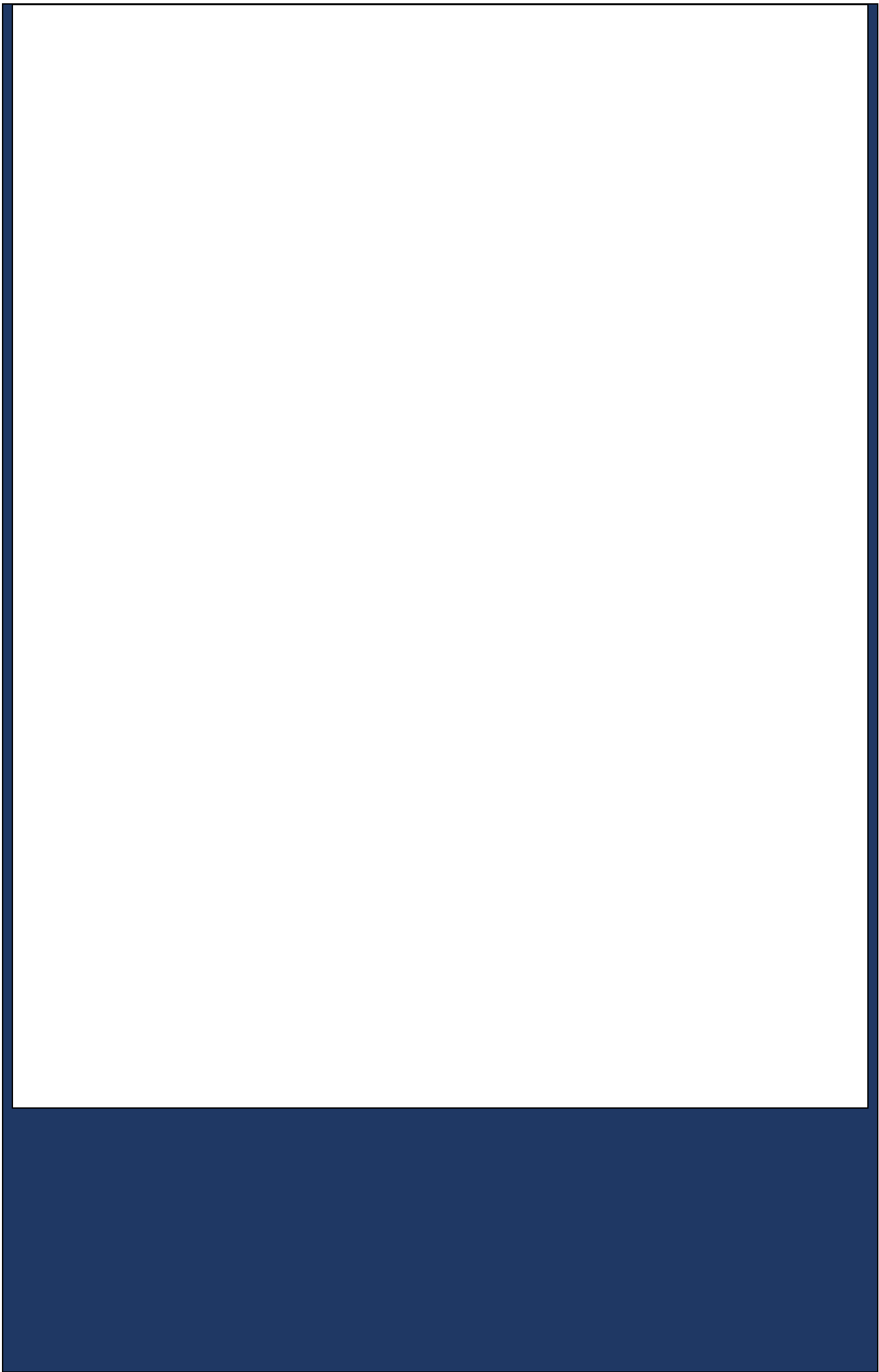
ماده گرایی " محمود پسیخانی " - اگر چه بر اساس تقسیم
 ناپذیری اجزاء و عناصر اولیه قرار داشت ، با اینحال سرشار از نفی
 عقاید ملکوتی و باورهای متافیزیکی بود . شاید این بی توجهی به

بساطت و تقسیم پذیری اجزاء اولیه، ناشی از این بوده که "اولا":
 علوم طبیعی در آن عصر هیچگونه پیشرفت و تکاملی نداشت و ثانیاً":
 او، اخلاق و عقیده " الهیون " را که به دو جوهر مستقل از یکدیگر
 (جوهر جسم و جوهر روح) قائل بودند، شدیداً نفی میکرد و تنها
 به وجود طبیعت و انسان (ذات مرکب) اعتقاد داشت.

" محمود پسیخانی " با تفکری مترقی و با تکیه بر " انسان
 خدائی حلاج " معتقد بود که هر چه هست در این دنیا است. انسان
 باید کیفر و پاداش اعمال خود را در این دنیا، باز یابد. به عقیده
 " پسیخانی " اگر انسان قبول کند که تکیه گاهی جز نیروهای خود
 ندارد، کاربرد صحیح آنها را در برخورد با طبیعت و مشکلات، خواهد
 آموخت و بی آنکه چشم به " آسمان " ها داشته باشد، در بر خورد
 با واقعیت های دشوار، با اندیشه و عملی " زمینی " روبرو خواهد
 شد. " محمود پسیخانی " با مبارزه بر علیه خرافه پرستی و نفی
 مفاهیم ملکوتی و " آن جهانی "، زحمتکشان و روستائیان را برای
 بدست آوردن حقوق خود و ایجاد " بهشت موعود " در این جهان،
 تجهیز میکرد. بهمین جهت، علمای فئودال مذهبی و پشتیبانان
 حکومتی آنها، از نخستین لحظات پیدائی " پسیخانیان "، آنها را
 خطرناکترین دشمن خود دیدند.

salvat.com

" دکتر صادق کیا " می نویسد: مسلمانان " پسیخانیان " را
 " ملاحده " خوانده اند، زیرا که خدا و رستاخیز و
 بهشت و دوزخ و آن جهان را، انکار میکردند و انسان



فرار کردند. (۱) و در آنجا به تجدید و تحکیم سازمان رگادر رهبری خود پرداختند.

از این تاریخ از "پسیخانیان" (نقطویان) اثری در تاریخ ایران نیست و تنها در آغاز سلطنت "شاه طهماسب صفوی" است که بار دیگر، "پسیخانیان" در عرصه مبارزه های "آته ئیستی" و اجتماعی ظاهر میشوند و تبلیغات و تعلیمات و مبارزات آنها، تا پایان سلطنت "شاه عباس صفوی" ادامه می یابد.

salvat.com

*

یکی از خانقاه های بزرگ صوفیه (در زمان تیموریان) خانقاه شیوخ "صفوی" بود که پیشوا و قطب آن (شیخ صفی الدین اردبیلی) همواره مورد "عنایت" و توجه سران تیموری بود - بطوریکه بدستور "تیمور" تمام اردبیل و حوالی آن، وقف خانقاه "صفوی" گردید. (۲)

اگر چه بگفته "ابن بزار" (۳): "شیخ صفی" در اوایل، یک جفت گاو (= ۶ تا ۷ هکتار) زمین داشت، اما پس از مدتی، در اثر "خوش خدمتی" به عمال تیموری (در آرام و رام کردن روحی روستائیان و رنجبران) او بعنوان یک زمیندار بزرگ، دارای بیش از ۲۰ دهکده بود.

بعد از "شیخ صفی"، فرزندش (شیخ صدر الدین) وصیت

۱- آغاز فرقه حروفیه - ریتر - نشریه ایران زمین - سال ۴۸.

۲- عالم آرای صفوی - بکوشش یدالله شکری - ص ۲۵.

۳- صفوة الصفا - ص ۷۹.

پدر را در تلفیق اصول " طریقت " با احکام " شریعت "، بکار بست و برای جلب حمایت روستائیان و رنجبران، به فرقه شیعیان میانه رو (امامیه) پیوست و با انتشار این افسانه که: پشت بیست و یکم " شیخ صفی " به " امام موسی کاظم " (امام شیعیان) میرسد، اکثریت توده های روستائی و شهری را بسوی خود، جلب کرد.

بدین ترتیب: وقتی که " شاه اسماعیل صفوی " بفکر حکومت و تخت سلطنت افتاد، زمینه برای ایجاد " پادشاهی صفویه " از مدتها پیش آماده و مهیا بود.

ضعف حکومت " آقویونلو " ها و بروز تمایلات تجزیه طلبانه بین سران این حکومت، مقاصد تجاوز کارانه سلطان عثمانی برای توسعه هر چه بیشتر " امپراطوری عثمانی " و خطر حمله او به کشورهای اروپائی و در نتیجه: پشتیبانی اروپای مسیحی (و در رأس آن پاپ) از قدرت روز افزون شیوخ صفوی و عناصر قزلباش، و نیز: دشمنی های تاریخی و دیرینه مذهبی بین " شیعیان " و " سنی " ها، همه و همه، ایجاد حکومت شیعه مذهب صفوی را، در مقابل دولت سنی مذهب عثمانی فراهم ساخت.

" دولت صفویه " اگر چه بخاطر شرایط تاریخی - اجتماعی خاصی (که ذکر شد)، با حمایت و پشتیبانی توده های شیعه مذهب بقدرت رسید، اما بر خلاف نهضت های ملی گذشته، بهیچ وجه نماینده منافع روستائیان و زحمتکشان نبود، زیرا پس از مدتی، عناصر فئودال " قزلباش "، بر این نهضت حاکم شدند و رفته رفته روحانیون و

بزرگان فتودال، به آنها پیوستند.

" شاه اسماعیل صفوی " در ترویج و رسمی کردن مذهب شیعه، از هیچ کوششی فروگذار نکرد، او به علمای مذهبی و خطیبان خود تاءکید کرد: مرا به این کار واداشته اند و خدای عالم و حضرات ائمه معصومین، همراه منند، و من از هیچیک باک ندارم، بتوفیق الله تعالی - اگر رعیت حرفی بزند، شمشیر می کشم و یک کس زنده نمی گذارم. (۱)

" شاه اسماعیل " در ادامه " شیعه سازی " خود، تنها ۲۵ هزار نفر را در تبریز کشت و پس از آن "... ساکنان شهر تبریز و اقلیت های مذهبی آن شهر، تافته سرخ رنگی (که شعار اسماعیل بود) بر تن آراستند و مردم از اطراف و اکناف، سر به فرمانبرداری در برابرش فرود آوردند. " (۲)

شعار " هنر و اندیشه در خدمت مذهب " باعث سقوط و انحطاط بیشتر علوم طبیعی و فلسفه گردید.

حکومت " صفوی "، با تلفیق تشیع و تصوف، از یکطرف به " دکه " های روحانیون فتودال و به تعداد " کمپانی های حدیث و روایت " افزود، و از طرف دیگر، بازار " خانقاه ها و صوفیان " چله نشین " را رونق بیشتری بخشید و باعث شد تا پیشه وران شهر ها و زحمتکشان روستاها، برای برخورداری از " عنایات " و حمایت های

۱- تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا مشروطیت - ادوارد براون - ص ۴۲.
۲- تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران - ابوالقاسم طاهری - ص ۱۵۳.

"مرشد کامل" (شاه صفوی)، هر یک خرقه پوش "مرشد" می‌شوند و یا مرید "مراد" می‌گردند و...

اسناد و آثار دوره صفوی، نشان می‌دهند که کار اصلی روحانیان و زحمتکشان در این دوره، دیگر عبادت "خدا" نبوده، بلکه شنا و ستایش از سلطان صفوی (بعنوان ظل الله و خدایگان) بوده است، زیرا که با تبلیغ و تلقین علمای مذهبی، شاه در این دوره، مرکز پرگار وجود بود.

تبلیغ "انی‌جاعل فی الارض خلیفه" (۱) و تأکید روحانیون فئودال بر تقدس مقام و منزلت "سلطان سرپردين"، باعث شد تا عقیده "خواجه نظام الملک" (۲) - که سلطان را مالک مطلق همه زمین‌ها میدانست - بار دیگر احیاء گردد.

براین اساس، مردم در دوره صفویه، سلطان را، مالک تمام اراضی میدانستند و پادشاهان صفوی، با استفاده از این عقیده، بر وسعت املاک و اراضی خود افزودند و در این راه - حتی به غصب املاک و مصادره اموال مردم پرداختند و دیری نگذشت که "فئودالیسم دولتی" با تلفیق حکومت مطلقه مذهبی، بار دیگر "استبداد شرقی" را بر توده های شهری و روستائی، تحمیل کرد.

"نهضت پسیخانیان" دقیقاً در این شرایط اقتصادی-اجتماعی،

۱- سوره بقره - آیه ۳۵.

۲- سیاست نامه - فصل پنجم - ص ۴۴.

اولاً": در برابر تحقیق و تدبیر معنوی توده ها، قد علم میکند و ثانياً": در مقابل حکومت مطلقه صفوی، به مبارزه می ایستد.

"استبداد مطلقه مذهبی" موجب شد تا متفکران و رهبران این نهضت، برای جلب مردم و حرکت انقلابی زحمتکشانشان، و نیز برای مصون ماندن از تعقیب و تهدید شریعتمداران و حامیان حکومتی آنها، بار دیگر از "لوا"ی تصوف استفاده کنند و عقاید و نظریات انقلابی و مرفعی خود را، در لفافه کلمات و عبارات صوفیانه، ابراز نمایند. "پسیخانیان" در زمان حکومت های صفوی، متشکل از روستائیان و پیشه وران خرده پای شهری بود، زیرا پس از سرکوبی "نهضت حروفیه" و کشتار رهبران آن، بسیاری از پیشه وران شهرها، به "نهضت پسیخانیان" پیوستند. این نهضت، علاوه بر نیروهای روستائی و شهری، شاعران و روشنفکران بسیاری را بسوی خود جلب کرد.

xalvat.com

"توطئه سکوت"ی که در باره افکار و عقاید "پسیخانیان" از زمان "تیموریان" آغاز شد، در زمان حکومت های صفوی نیز همچنان ادامه می یابد و مورخین و تذکره نویسان "وابسته" تصویر روشنی از عقاید رهبران و متفکران این نهضت بدست نمیدهند. نویسندگان معاصر (مانند ابوالقاسم طاهری) نیز که تحقیقاتشان داعیه بررسی "تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران، از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس" را دارند، هیچگونه اشاره ای در باره این نهضت سیاسی - اجتماعی نمی کنند، گوئی که "نهضت پسیخانیان" در زمان

تیموریان و صفویان ظاهر نگشته و با اساس " این نهضت، جزو مقوله‌های سیاسی - اجتماعی این دوران نبوده است!!

*

جنگ‌های متعدد " شاه اسماعیل " با دولت عثمانی و ورشکستگی اقتصادی حاصل از شکست این جنگ‌ها و در نتیجه: تحمیل مالیات‌های سنگین بر توده‌های شهری و روستائی، باعث شد تا " شاه طهماسب صفوی " وارث یک حکومت پریشان و میراث خوار یک اقتصاد ورشکسته و بیمار باشد.

salvat.com

در اوایل حکومت او (که کودکی ۱۰ ساله بود) سران قزلباش و خوانین و امرای " روملو " و " استاجلو " و غیره، غالباً " برای تصرف " تیول " ها و مقامات گوناگون با یکدیگر رقابت و مبارزه میکردند. مردم علاقه‌ای به " شاه طهماسب " نداشتند و بخاطر همین تنفر و انزجار مردم بود که میگویند: او ۱۱ سال از کاخ سلطنتی خارج نگشت و مدت ۲۰ سال بر اسب ننشست.

" شاه طهماسب " برای نجات از ورشکستگی و بحران‌های اقتصادی و برای پرداخت حقوق سران سپاه و سربازان خود، ابتداء تصمیم گرفت که " درآمد " بعضی از ولایات را و پس از مدتی، خود این اراضی و ولایات را بعنوان " تیول " به سرداران و سپاهیان خود واگذار نماید، آنچنانکه در زمان او قسمت عمده " کشور، مِّنْ غَیْرِ مستقیم، اداره میشد.

این حکومت‌های ولایتی، شبیه به " اقطاع دیوانی " دوره

سلجوقی بودند و حاکم هر ولایت در گرفتن مالیات و وضع عوارض و دیگر تحمیلات بر روستائیان، اختیارات نامحدود داشت، بطوریکه " شاردن " از این حکام ولایتی، بنام " شهریاران کوچک "ی نام می برد که به دلخواه خود، با ساکنان روستاها رفتار میکردند. (۱)

ظلم و ستم و تجاوز و تاراج این " شهریاران کوچک " در گیلان، بجائی رسیده بود که بقول " عبدالفتاح فومنی "؛ درالکای " بیه پس " هیچکس صاحب خان و مان و زن و فرزند نبود و اطفال روستائیان را مانند اسیران، خرید و فروش، میکردند. (۲)

در روستاهای گیلان، نام " شاه طهماسب " بابی عرُضگی و حماقت مترادف بود، چنانکه هنوز هم، وقتی که " گیلک " هامیگویند: فلانی " شاه طهماسبه "، یعنی: " بی عرضه است "، " خلو احمق است "، " چیزی سرش نمیشود " ... (۳)

بهره کشی های بیرحمانه، فئودالی و ظلم و ستم حکام ولایات و تحمیل مالیات های سنگین به روستائیان، باعث شورش های روستائی فراوانی گردید. این شورش ها - با نهضت و سازمان های پیشه وری، که از ستم مشترکی رنج می بردند و بوسیله " پسیخانیان " رهبری میشدند، پیوند و هماهنگی داشت.

۱- سیاحتنامه - ج ۸ - ص ۲۳۷.
 ۲- تاریخ گیلان - ص ۴۶.
 ۳- گیلان - کریم کشاورز - ص ۳۹.

در سال ۹۷۲ هجری، در گیلان، شورش عظیم روستائیان آغاز شد، اما این شورش، بوسیلهٔ سپاهیان فتودال، بیرحمانه سرکوب گردید. در سال ۹۷۸ هجری (زمان شاه طهماسب) نیز " امیره دواج " در " لشت نشاء "، قیام کرد و حاکم دست نشانده آنجا را کشت و بسیاری از روستائیان و زحمتکشان را بدور خود جمع کرد و " نقاره بنام خویش زد ". او در جنگ هائی، سپاهیان " شاه طهماسب " را شکست داد و " لاهیجان " و نواحی اطراف " لشت نشاء " را بتصرف خود در آورد. این شورش نیز پس از ۲ سال (در سال ۹۸۰ هجری) بوسیلهٔ سرداران و سپاهیان فتودال، سرکوب گردید. " رضاقلی خان هدایت " در بارهٔ سرکوبی شورش روستائیان گیلان، به رهبری " امیره دواج "، می نویسد: ... و سپاهیان شاه طهماسب، گل و لای نواحی گیلان و دیلم را، بخون گیلانیان آمیختند. (۱)

salvat.com

در همین هنگام، شورش روستائی دیگری در گیلان به رهبری " شیرزاد ماکلوانی " آغاز شد که در آن ۱۰ هزار تغنگچی و کمان دار شرکت داشتند. شورشیان پس از توقف کوتاهی در " پسیخان " برای جنگ با سپاهیان شاه، روانهٔ رشت گردیدند و در جنگ های متعددی، سربازان و سپاهیان " شاه طهماسب " را بسختی شکست دادند. " عبدالفتاح فومنی " در بارهٔ " شیرزاد ماکلوانی " می نویسد: ... او در میدان نام و ننگ و عرصهٔ حرب و جنگ، داد مردی و پهلوانی

داده، بعد از کارزار شیرانه و کوشش مردانه، اسیر گردید و بعد از چند

xalvat.com

روز، بقتل رسید . (۱)

با قتل " شیرزاد ماکلوانی " حکام دست نشانده "شاه طهماسب" به جلب دوستی و نظر دهقانان گیلان پرداختند، اما این کار نیز نمی توانست کینه طبقاتی روستائیان را، از دل آنها بزداید. "عبدالفتاح" ناءکید میکند: اما روز بروز وحشت مغایرت و دشمنی مردم، سمت ازدیاد پذیرفته و بجائی رسید که لشکریان " شاه طهماسب " بواسطه تحصیل آذوقه و علوفه، بهر محل که می رفتند، مردم آن محل بقتل ایشان مبادرت می نمودند، و این معنی باعث توهم و اضطراب و توحش لشکریان گشته و از آمدن خود به گیلان، نادم و پریشان گردیده، به فکر (مراجعت) افتادند. . . . (۲)

شورش های روستائی در زمان " شاه طهماسب " - با قیام ها و شورش های پیشه وران و قشرهای پائین شهری، هماهنگ بود.

در سال ۹۷۹ (زمان شاه طهماسب) شورش عظیم پیشه وران در تبریز آغاز شد، این شورش نیز ریشه در مناسبات ظالمانه فئودالها داشته که منابع اولیه صنعت و پیشه وری را در " انحصار " خود گرفته بودند.

" حسن بیک روملو " (مورخ فئودال) که از نهضت های توده ای

۱- تاریخ گیلان - ص ۷۴.

۲- همان کتاب - ص ۷۶.

بعنوان " اجامر "، " اوباش " و " اجلاف " نام می‌برد. دربارهٔ شورش پیشه‌وران، تبریز، تصریح میکند که: ... سادات وقضات واعیان و اشراف، چنان از بیم ایشان (شورشیان) سراسیمه گشتند که شرح آن به نوشتن و گفتن راست نیاید. (۱)

" روملو " ضمن ذکر اسامی عده‌ای از رهبران این شورش (مانند شنجی‌گازر - حسن چکمه‌دوز - شاه علی چرتک - میرزا بابا قلی و حسین سبزی فروش و ...) بخوبی، ریشه‌های مردمی و پیشه‌وری این نهضت را نشان میدهد.

salvat.com

" شاه طهماسب " پس از ۳ سال جنگ و لشکر کشی، موفق به سرکوبی این شورش نگردید، تا اینکه سرانجام دست به دامان علمای مذهبی گردید و از روحانیون خواست که برای خاموش کردن شعله‌های شورش، فتوای جهاد، صادر نمایند.

" روملو " می‌نویسد: ... و علمای مذهبی نیز بقتل ایشان (شورشیان) فتوا دادند. ... " حسن بیگ " (فرمانده سپاه شاه طهماسب) تفحص و تعقیب نموده، اکثریت (شورشیان) را بدست آورده و به قتل آوردند و سرداران رنود و اوباش قلاش بدمعاش را به دار عسرت، آویختند. (۲)

نویسنده " تاریخ الفی " در ذکر وقایع ۹۸۲ هجری، ازگشتار

۱- احسن التواریخ - ص ۴۵۵.

۲- همان کتاب - ص ۴۵۷.

وسیع " پسیخانیان " در روستای " انجدان " و " رستاق " کاشان
خبر میدهد. (۱)

مورخان فتودال از شورش ها، دستگیری ها، شکنجه ها و کشتارهای
" پسیخانیان " (در زمان شاه طهماسب) گزارش های دیگری نیز
dاده اند.

" محمود افوشته ای نطنزی " می نویسد: در زمان " شاه طهماسب "
در نواحی ساوه و قزوین و حوالی کاشان و اصفهان و کوه پایه ونائین،
بعضی از این ملحدان (پسیخانیان) بی دین ظاهر گشته و به جدّ
تمام، روی به اضلال و الحاد عوام نهادند... و رخنه در سد شرع
اقدس کرده... و بعضی از رؤساء و مقدم این طایفه، مثل: محمد -
قاضی بیدگلی، مولانا قاسم کوپالی و دیگران، حسب الحکم، مؤاخذه
و مقید (بزنجیر) گردیده، بعد از چند گاه، (شاه) بعضی را
چشم کند و برخی را به سیاست بلیغ و زجر عقیف
کشته... (۲)

همچنین در زمان " شاه طهماسب " یکی از رهبران " پسیخانی "
بنام " ابوالقاسم امری " را دستگیر، شکنجه و کور
کردند. (۳)

" پسیخانیان " در میان روستائیان، پایگاه عظیمی داشتند،

۱- تاریخ الفی - احمد دیبلی تتوی - ج ۲ - نسخه خطی.

۲- نقاوه الآثار - ص ۵۱۵.

۳- تذکره هفت اقلیم - احمد امین رازی - ص ۶.

اشعار " میرزا علی همدی " (۱) نشان میدهد که مردم روستاهای کاشان (مانند آران و فین کاشان) جملگی " پسیخانی " بوده‌اند، بطوریکه روستای " فین " را " قریه الملحدین " می‌نامیدند. بعد از مرگ " شاه طهماسب "، در سال ۹۹۴ هجری، زدو خورد و جنگ شدیدی بین سپاهیان " شاه محمد " (پدر شاه عباس) و گروه کثیری از " پسیخانیان " روی داد، در این جنگ عده ای از " پسیخانیان " کشته شدند که از آن جمله " افضل دوتاری " و " میر بیغمی " (دو تن از متفکرین پسیخانی) بوده‌اند.

xalvat.com

*

سلطنت " شاه عباس " با بسط " مالکیت خالصه " و توسعه " فتووالیسم دولتی " و با شکفتگی شهرهای تجارته و ورودبازرگانان و بورژوازی خارجی به ایران، همراه بود. در این زمان نیز " تروریسم مذهبی " از یکطرف مقام و منزلت سلطان را، تا حد " خدا " و " خدایگان " بالا برد و از طرف دیگر، با حمایت‌ارگان-های پلیسی، به شکار و سرکوبی متفکران آزاد اندیش پرداخت.

اعتراضات توده مردم (که بوسیله قشر آگاه و روشنفکر جامعه رهبری میشد)، باعث گردید تا " شاه عباس " بتدریج قسمت‌هایی از املاک " غصب شده " و خالصه را بصورت " موقوفه " درآورد و

۱- خلاصه الاشعار و زیاده الافکار - تقی الدین کاشی - نسخه خطی مجلس.

برای اینکه از بدبینی و نارضائی توده های مذهبی بکاهد، اراضی فراوانی را نیز در اختیار روحانیون و علمای شیعه قرارداد. روحانیون ابتداء اراضی بسیاری را بعنوان " متولیان اوقاف " یا از طریق " تیول های موروثی " در اختیار گرفتند و بعدها، بسیاری از این اراضی به املاک شخصی و خصوصی آنها تبدیل شد، بطوریکه در آذربایجان و اصفهان، روحانیون و رهبران مذهبی، عمده ترین زمینداران و فئودال های این نواحی بودند.

از روستائیان انواع و اقسام مالیات و عوارض و " بیگاری " گرفته میشد و بقول " شاردن " : در اصفهان " مالیات آب " نیز می گرفتند و زارعانی که اراضی شاه را داشتند، پیش مسئولان املاک شاهی، آه و ناله و گریه و فریاد میکردند... و اگر وضع محصول بسیار نامساعد و خطرناک میشد، زنان و کودکان خود رانیز می بردند و اعلام میکردند که دیگر به خانه باز نخواهند گشت... روستائیان در برابر اربابان و مسئولان املاک شاهی با تمام قوا فریاد می کشیدند و جامه می دریدند... و گاه چنان گریه و فریاد بر می آوردند که صدایشان از نیم فرسنگی بگوش میرسید... (۱) xalvat.com

روستائیان حق هیچگونه شکایت و ادعائی به شاه نداشتند و در موارد نادری هم که شکایت و دادخواهی روستائیان به عرض میرسید، قضیه بتفع ارباب ها و درباریان صاحب زمین، خاتمه می یافت.

در اوایل سلطنت " شاه عباس " مردم یکی از قراء " نطنز "، از ستمکاری حکام و عمال دولت به او شکایت بردند، شاه امر به رسیدگی داد و با آنکه حق با رعایا بود، تمام ولایت نطنز را تصرف و ضمیمه املاک خالصه کرد. " محمد افوشته ای نطنزی " در این باره می نویسد: ... شاه امر کرد بکار روستائیان رسیدگی شود ... و معلوم شد که حق با رعایا است، در نتیجه: چون تعدی و تقلب ارباب عمل بر ضمیر خورشید نثار پادشاه، واضح و لایح گردید، پرتو آفتاب عاطفت و انوار خورشید معدلت (یعنی شاه عباس) بر ساحت احوال رعایا افتاد! و ولایت " نطنز " را با لکل " خاصه " فرمود و قدم و قلم آن جماعت بدعاقبت (روستائیان) را، از آن ولایت کوتاه ساخت. (۱)

" شاه عباس " در دین اسلام و مذهب شیعه، بسیار متعصب بود و به خدا و پیغمبر و " دوازده امام " عشق و ارادتی مخصوص داشت. " اسکندر بیک منشی " می نویسد: ... " شاه عباس " هیچوقت از توجه و استغراق بدرگاه الهی، غافل نبوده، در هنگام توجه و عرض حاجات، چنان مستغرق بحر وصول درگاه احدیت میگردید که گوئی از بدن خلع گشته اند. (۲)

عشق و ارادت شاه عباس به " خاندان نبوت "، آنچنان بود که برای زیارت " امام رضا " پیاده از اصفهان به مشهد رفت. با

۱- نقاوه الآثار - ص ۴۶۱.
۲- عالم آرای عباسی - ج ۳ - ص ۱۰۹۹.

اینهمه عشق به اسلام و پیروی از اصول مذهبی، " شاه عباس "،
براستی، یکی از سفاکترین پادشاهان زمانش بود. (۱)

علاقه " شاه عباس " به حفظ حکومت و تحکیم قدرت شخصی
چنان بود که در این راه حتی از زندانی کردن پدر و کشتن پسر بزرگ
خود (صفی میرزا) و کور ساختن برادران و دو پسر جوان خویش
نیز، خودداری نکرد.

یکی از درآمدهای ضمنی " شاه عباس " فایده ای بود که او از
کار افراد، بی آنکه مزدی بپردازد، می برد، کارگران و زحمتکشان شهری
و روستائی، برای ساختن کاروانسراها، کاخها، باغها و سایر عمارات
شاهی، مجبور بودند که به " بیگاری " تن دهند و یا با مزد بسیار
ناچیزی بسازند.

جمع کل عواید سالیانه " شاه عباس " بر ما معلوم نیست
و هیچیک از مورخان زمان او، یا بعد از او، در این باره، اطلاعات
دقیق و مسلمی بدست نداده اند. " توماس هربرت " (انگلیسی)
که بسال ۱۵۳۶ هجری قمری در اصفهان بود، می نویسد که: عواید
سالیانه " شاه عباس " از ابریشم و مالیات و پیشکش ها به ۹ میلیون
طلا (دینار ۴) میرسد. (۲) در حالیکه " شاردن " این مبلغ را
هفتصد هزار تومان (یا سی و دو میلیون فرانک) ذکر
میکند. (۳)

۱- نگاه کنید به: زندگانی شاه عباس - ج ۲ - ص ۱۲۱.

۲- همان کتاب - ج ۳ - ص ۲۶۷.

" شاه عباس " با چنین درآمد سرشاری که از استثمار و تاراج زحمتکشان بدست می‌آورد، سازمان های لشگری و جاسوسی وسیع و نیرومندی بوجود آورد که میتوانست بوسیله آنها نهضت‌های توده‌ای و روستائی را سرکوب نماید و از هر گونه " توطئه " ای بر علیه حکومتش، با خبر گردد.

xalvat.com

اسناد و گزارش های موجود نشان میدهند که دامنه‌های عملیات این مأموران و جاسوسان آنقدر وسیع بوده که حتی افراد یک خانواده هم بیکدیگر مشکوک بودند و از ترس یکدیگر، سخنی بر علیه حکومت " شاه عباس " بر زبان نمی‌آوردند.

" اسکندر بیگ " (منشی مخصوص شاه عباس)، در باره " جاسوسان " شاه عباس " می‌نویسد: ... و منهبان (جاسوسان) گماشته اند که از گماهی حالات خبر میدهند، چنانکه کسی را قدرت آن نیست که در منزل خود با متعلقان خویش حرفی که نتواند گفت بگوید ... و دغدغه آنست که مبادا احدی اسنراق سمع، نماید ... (۱)

سیاست غصب و مصادره اموال و اراضی روستائیان، فقر و استثمار شدید زحمتکشان، استبداد مطلقه فردی، تحمیل مالیات های سنگین بر توده های شهری و روستائی، تنائی " علمای عظام " و روحانیون فتوادل با حکومت و دربار صفوی، همه و همه، جان زحمتکشان و رنجبران

را بر لب آورده بود و اینهمه، زمینه شورش های بزرگی را فراهم
 ساخت. xalvat.com

در چنین شرایط اقتصادی - اجتماعی نامتعادلی، سازمان های
 مخفی " پسیخانیان " در شهرها و روستاها فعالیت میکردند و عموماً،
 " خانقاه " ها را سنگر تعلیمات و تبلیغات خود قرار داده بودند و
 و از این " خانقاه " ها عملیات و شورش های شهری و روستائی
 را رهبری می نمودند.

صلح اجباری با " دولت عثمانی " (در سال ۹۹۹ هجری)
 که طی آن گرجستان شرقی، و کردستان و سراسر آذربایجان و بخشی
 از لرستان به دولت عثمانی واگذار گردید، باعث شد تا " شاه عباس "
 میزان برخی از مالیات ها را تا ۵ برابر افزایش دهد. این سیاست
 مالیاتی جدید، سرانجام خشم انقلابی توده های زحمتکش را شعله ور
 ساخت.

در سال ۹۹۹ هجری، " ابوالقاسم امری " (یکی از رهبران
 " پسیخانی " که در زمان " شاه طهماسب " بخاطر " الحاد " و
 چشم هایش را کنده بودند) به دستگیری گروهی از مریدان و پیروان
 خویش، شورش عظیم و گسترده ای، بر پا کرد.

" تقی الدین اوحیدی " در این باره می نویسد: ...
 " مولانا امری " و جمعی از فقراء و مجردان، متفق گشته، زمره ای
 از اصحاب ارادت نیز به ایشان پیوستند، شورش و فتنه ای عظیم از
 ایشان در " فارس " بهم رسید، چون نور صحبت ایشان با خام و

عام به جهت اخذ آب و نان، گرم تافته شد، برالسنه و افواه خلاق
افتادند، کلمات و مقالات ایشان ذکر هر محفل گشت ... (۱)
دامنه این شورش به اندازه ای بود که " شاه عباس " و حکمران
فارس را دچار بیم و هراس ساخت، سرانجام پس از مدتی سپاهیان
فتودال، شورش " پسیخانیان " را سرکوب کردند و " ابوالقاسم امری "
(رهبر و مغز متفکر شورش) را دستگیر ساختند و به زندان افکندند.
ماهیت سیاسی و ضد حکومتی این شورش (از یکطرف) و عقاید
" آئه ئیستی " و " انسان خدائی " ابوالقاسم امری (ازطرف دیگر)
باعث شد تا " پاسداران دین و دولت "، حکم قتل " ابوالقاسم امری "
را صادر کنند و او را بجرم " الحاد " و " بی دینی " به مرگ
محکوم نمایند... و سرانجام با صدور این " فتوا "، متفکر و مبارز
آزاده " پسیخانی " را در زندان، - با کارد و قلمتراش، پاره پاره
کردند.

salvat.com

شورش عظیم " پسیخانیان " در فارس و تاشیر آن در شهرها
و ولایات دیگر، " شاه عباس " را مصمم ساخت تا هر چه زودتر،
" آئین پسیخانی " را که در شهرها و روستاهای بزرگ ایران، پیروان
فراوان یافته - و به یک نیروی عظیم سیاسی - فرهنگی تبدیل شده
بود - سرکوب و نابود نماید.

" جلال الدین محمد یزدی " (منجم باشی شاه عباس) در

۱- عرفات عاشقین - نسخه خطی کتابخانه ملک.

ذکر وقایع / ۱۰۰۰ هجری از " حج اکبر " بکشتن رهبران " پسیخانی " و کشتار وحشیانه " ملحدان " در روستای " شمس آباد " میبد ، سخن

خالوات.com

میگوید . (۱)

" شاه عباس " گذشته از جاسوسان و منهبیان فراوانی که داشت ، خود نیز همواره در کسوتی صوفیانه ، به خانقاهها (که سنگر و سازمان مخفی پسیخانیان بود) سر میکشیده تا از کیفیت تبلیغات و ماهیت تعلیمات " نقطویان " آگاه گردد .

یکی از سازمان های مخفی " پسیخانیان " ، خانقاهی واقع در شهر قزوین - پایتخت حکومت صفوی - بود که چند تن از متفکران پسیخانی (مانند خسرو نامی و کوچک قلندر و یوسفی ترکش دوز) در لباس و لفافه صوفیگری ، در آنجا فعالیت داشتند .

از " عالم آرای عباسی " چنین بر می آید که " شاه عباس " در سال ۱۰۵۲ هجری در لباس درویشی وارد خانقاه " درویش خسرو نامی " میگردد و در کسوت و کلام درویشان ، با رهبران پسیخانی ، آغاز سخن و صحبت میکند . " درویش خسرو " که آدمی هوشیار بوده ، از ماهیت و شخصیت طرف خود (شاه عباس) آگاه میشود و در اظهار عقیده ، جانب حزم و احتیاط را نگه میدارد ، اما دو تن از یارانش (یوسفی ترکش دوز و درویش قلندر) - بی پروا ، دعوی ها و عقاید " آئینیستی " و ضد حکومتی خود را آشکار میکنند ، و بدین ترتیب : .. " الحاد آن طبقه ، بی اشتباه در آئینه خاطر شاه عباس ، پرتو ظهور انداخته ،

۱ - تاریخ عباسی - نسخه خطی - کتابخانه ملی تهران .

دفع آن جماعت، جهت اجراء رسوم شرع انور، بر ذمت پادشاه شریعت

xalvat.com

برور، لازم شد. . . " (۱)

"رضا قلی خان هدایت" در باره "درویش خسرو" (پسیخانی) می نویسد: "خسرو" از محله ای در کوشک قزوین که پدرانش "چاه کن" بودند، ترک شغل پدر کرده، به لباس قلندری ملیس شده و خود را در سلک دراویش جلوه گر کرد. بعد از مدتها گردش و سیاحت و معاشرت با اهالی بلاد، به بند ارادت مردی "نقطوی" گرفتار شد. حاصل اینکه: بعضی مردم . . . در انجمن او حلقه بستند و در حلقه ارادتش نشستند، علمای نکته یاب و عاملین احتساب، اطوار "درویش خسرو" را منافی طور درویشی دیدند و کردار او را مخالف شریعت فهمیدند . . . قریب ۱۰ سال کارش بالا گرفت و آتش الحادش شعله ور شد، جمعی از ترک و تاجیک و ارباب حرفه و غیرهم، در حلقه ارادتش درآمدند و رفته رفته در مذهب الحاد، ترقی کردند، انبیاء را شهوت پرست خواندند و اولیاء را کاذب شمردند و عرفا را دروغگوی خواندند . . . (۲) بهر حال "درویش خسرو" و دیگر یاران و پیروانش رابه دستور "شاه عباس" دستگیر کردند و به وضعی فجیع بقتل رسانیدند و به قولی: آنان را از جهاز شتر به حلق آویخته و در تمام شهر قزوین گردانیدند. " (۳)

۱ - عالم آرای عباسی - ص ۴۷۳.
 ۲ - روضه الصفای ناصری - جلد ۸ - ص ۲۷۴ (و نیز) نقاوه الانار ص ۵۱۵.
 ۳ - عالم آرای عباسی - ص ۴۷۳.

در همین هنگام (۱۰۰۲ هجری) شورش و قیام گسترده ای به رهبری " طالش کولی " و " کیا جلال الدین " و " ابو سعید چپک " در گیلان آغاز شد، در این شورش، روستائیان، داروغه و حاکم دست نشانده، " لشت نشاء " و " رانکوه " را بیرون راندند و تمام راهها را محاصره و مسدود کردند، املاک و اراضی پادشاه را تصرف و بین روستائیان تقسیم نمودند. " شاه عباس " که از وسعت و گسترش شورش گیلان، بیمناک شده بود، سپاه فراوانی مجهز به سلاح های آتشین، برای سرکوبی و دستگیری " طالش کولی " روانه جنگل های گیلان کرد، اما پس از ماهها تفتیش و تعقیب، اثری از رهبران شورش گیلان بدست نیاوردند، و چون هر روز بر دامنه شورش های روستائی گیلان افزوده میشد، شاه عباس به " شیخ احمد آقای میر غضب " فرمان قتل عام گیلانیان را صادر کرد.

salvat.com

" عبدالفتاح فومنی " (مورخ فتودال) که از رهبران نهضت گیلان بعنوان " اجامر " و " اوباش " و " نمک به حرام " نام می برد می نویسد: ... آن مظهر قدرت الهی (شیخ احمد میر غضب) که در بی حمی و سفاکی دلیر و مشهور بود، در: طالشستان، خرگیام، دیلمان، کلیجان و سمام، شمشیرخون آشام از نیام کشیده و قتل به افراط نموده، برانات و دکور اکتفا نفرموده... و به شتامت حرام نمگان گیلان (یعنی شورشیان)، خلقی کثیر از صغیر و کبیر ولایت مذکوره بدرجات شهادت رسیدند و تمامی اموال و اسباب ایشان بتاراج این حادثه عجیبه رفت... و سرانجام " طالش کولی " و چند نفر دیگر

از اقوام و اقوام از دستگیر و اسیر شدند و با سرهای کشتگان، در قزوین بنظر " شاه عباس " رسانیدند و حسب الحکم شاه عباس "طالب کولی" و اقوام او در میدان قزوین بقتل رسیدند. (۱) " محمود افشته ای " (مورخ دیگر فتودال) نیز درباره سرکوبی شورشگیلان، می نویسد: ... و کار سفاکی را در آن ولایت به آنجا رسانیدند که زنان از ترس " شیخ احمد میر غضب " بچه انکندند و بعضی زنان را که این حالت واقع نشد، شکم ایشان را شکافتند و بچه ها را بدر آوردند و بر سر نیزه کردند. (۲)

بدنبال دستگیری و قتل " خسرو قزوینی " و پیروان او، حکمی نیز به کاشان و اصفهان فرستادند تا " پسیخانیان " آن نواحی را تعقیب و دستگیر نمایند. پس از تعقیب و تجسس های فراوان، در کاشان به چند تن از " پسیخانیان " دست یافتند که در میان آنها یکی از رهبران و متفکران برجسته پسیخانی نیز وجود داشت، او: " میر احمد کاشی " بود.

salvat.com

" میر احمد کاشی " متفکری آزاده و انقلابی بود. عقاید فلسفی او بر اساس قوانین عینی و طبیعی قرار داشت. او با نفی هر گونه نیروی خارجی و ملکوتی در جریان تحول و تکامل طبیعت و انسان، پیروان خود را به ایجاد " بهشت موعود " در این جهان تجهیز میکرد.

۱ - تاریخ گیلان - ص ۱۳۵ - ۱۳۶.

۲ - نقاوه الآثار - ص ۵۴۵.

" احمد کاشی " با اعتقاد به " قدیم بودن عالم " بر روی افسانه های خدایان در زمینه " خلقت جهان " خط بطلان کشید .
 " اسکندر بیک منشی " می نویسد : xalvat.com

" در میان کتاب های " میر احمد کاشی " ظاهر شد که آن طایفه به مذهب حکماء ، عالم را قدیم می شمرده اند و اصلاً " اعتقاد به حشر اجساد و قیامت ندارند و مکافات حسن و قبح اعمال را در عافیت و مذلت این دنیا قرار داده و بهشت و دوزخ را همین دنیا می شمارند . " (۱)

" احمد کاشی " از قهرمانان برجسته ای است که در راه آزادی انسان ، از اسارت خرافه پرستی و تاریک اندیشی ، مبارزه نمود و پرچم ماده گرایی و " انسان خدائی " را بر افراشته نگهداشت . شجاعت و پایداری او - هنگام مرگ - به همه انسان ها آموخت که نباید از مرگ ترسید . این شجاعت و پایداری ، دقیقاً " از تفکر مادی و مرقی او سرچشمه میگردد ، زیرا ، کسی که به استقلال روح از جسم معتقد نیست و مرگ را (مانند زندگی) ضرورت یگانه طبیعت میداند و زندگی در آن جهان را افسانه ای می شمارد که از ترس و تردید ناشی میگردد ، هرگز از مرگ هراسی نخواهد داشت .

وقتی " احمد کاشی " را نزد " شاه عباس " بردند ، شاه بگشتن تهدیدش کرد تا مگر در آن پیرانه سر ، توبه کند ، اما " احمد کاشی " به شاه عباس جواب داد :

ما را از کشتن باکی نیست... (۱)

گزارش دیگری که از چگونگی قتل " احمد کاشی " در دست است، نشان میدهد که: " شاه عباس " نخست با " احمد کاشی " سخن گفت و از او خواست تا اظهار توبه و پشیمانی نماید... اما وقتی که " احمد کاشی " از توبه و پشیمانی خودداری نمود و در برابر عقاید " آتئیستی " و " انسان خدائی " خود، پافشاری کرد، " شاه عباس " شمشیر برکشید و به جانب او دوید و گفت: "... من این بد دین را به سزا برسانم و جد خود (محمد مصطفی) را از ننگ فرزندی این دشمن خدا برهانم... آنگاه بیک ضربت شمشیر، کار آن ناتمام (احمد کاشی) را تمام رسانید... پس بفرمود تا پیروان وی را، یکان یکان بحضور آوردند و از ایشان سخنان می پرسیدند... و آنگاه به جلادان امر می فرمود تا بدن آن ملحدان (پسیخانیان) را از بار شمشیر آبدار، سبکسازند. (۲)

" اسکندر بیک منشی " نیز در چگونگی قتل " احمد کاشی " می نویسد: "... پادشاه صفت نژاد پاک اعتقاد (شاه عباس) در " نصر آباد " کاشان " احمد کاشی " را بدست مبارک خود، شمشیر زد و دوپاره عدل (!) کردند. (۳)

xalvat.com

بطوریکه نوشتیم: " پسیخانیان " دارای یک سازمان منظم و مخفی بودند، مورخین تأکید میکنند که پس از دستگیری " احمد کاشی " خطوط

۱ - تاریخ اجتماعی کاشان - حسن نراقی - ص ۱۲۱ - ۱۲۵
(و نیز) نقاره الافار - ص ۵۲۵
۲ - تذکره میخانه - ملا عبدالنسی نخر الزمانی - ص ۶۱۶
۳ - عالم آرای عباسی - ص ۴۷۶

بیعت (پیمان نامه یا مرامنامه) پیروان او را به چنگ آوردند و بوسیله*
 آن، عده ای از " پسیخانیان " را شناسائی و دستگیر ساختند که به
 دست شخص " شاه عباس " یا دژخیمان او، بقتل رسیدند. (۱)
 جمعی دیگر از " پسیخانیان " را در " اصطهبانات " فارس
 دستگیر کردند و بدستور " حضرت اشرف " (یعنی شاه عباس) کشتند
 و " سلیمان ساوجی " را نیز که در علم پزشکی و طبابت شهرت داشت،
 مدتی محبوس ساختند تا سرانجام؛ " شاه عباس " از رسوخ اعتقاد و
 شریعت پروری، قتل او را بهتر دانست و به یاران (پسیخانیان) ملحق گردانید (۲)
 در سال ۱۰۱۰ هجری قمری نیز، وقتی که " شاه عباس " پیاده
 برای زیارت مرقد امام رضا، به مشهد میرفت، به گفتگو با دو تن که
 گرایش های " پسیخانی " داشتند، پرداخت. " شاه عباس " به یکی
 از آنها (بنام تراب یا ترابی) گفت: از پیادگی رنجورم ... " تراب "
 (پسیخانی) پاسخ داد: این دنائت طبع تست، زیرا، این امامی
 که برای او، راه می پیمائی، اگر بحق پیوسته است، چرا در سنگلاخ های
 مشهد، او را می جوئی؟ و اگر بحق نیپیوسته است از او چه توقع داری؟!
 امام زنده را در یاب! ... " شاه عباس " پرسید: امام زنده کجاست؟ " تراب "
 (پسیخانی) گفت: من! ... " شاه عباس " جواب داد که ترابه " هندوق "
 (تفنگ) می زنم، اگر تفنگ بر تو اثر نکند، بتو ایمان می آورم ...
 " تراب " در جواب گفت: اما رضای شما، به دانه انگوری مرده

۱- عرفات عاشقین - نسخه خطی - (و نیز) روضه الصفاى ناصرى ص ۲۷۴ .

۲ - عالم آرای عباسی - ص ۴۷۶ .

است، من از گلوله^۱ تفنگ چگونه زنده میمانم؟... ولی سرانجام "تراب"
 (پسیخانی) در کاروانسرای " قوشه " بضرب گلوله^۲ " شاه عباس " به قتل رسید و " کمال " (دوست تراب) نیز به خاطر ابراز عقاید
 " پسیخانی " و اظهار هم کیشی با " تراب "، تیرباران شد. (۱)
 ناگفته نماند که در کنار شیوه های وحشتناک قتل و شکنجه،
 " شاه عباس " یک دسته جلاد مخصوص نیز داشت که به آن "چیگین"
 (= آدم خوار) میگفتند. وظیفه^۳ این دسته از " جلادان مخصوص " این
 بود که مبارزان پسیخانی و متفکران " آتئیست " را بفرمان شاه،
 زنده زنده می خوردند. (۲) رئیس این دسته از "جلادان آدم خوار"
 شخصی بنام " ملک علی سلطان جارچی باشی " بود که مأمور
 دستگیری، شکنجه و قتل " خسرو قزوینی " بود.

از ویژگی های " نهضت پسیخانیان "، شرکت و فعالیت بسیاری
 از شاعران و نویسندگان مترقی در این نهضت بود. این شاعران و
 روشنفکران، بعنوان " مبارزان فرهنگی"، عقاید مترقی و "انسان
 خدائی" پسیخانیان را، تبلیغ و ترویج میکردند. اشعار و آثار این
 متفکران، در عصری که خرافات مذهبی بهترین وسیله^۴ انقیاد اخلاقی
 زحمتکشان و رنجبران بود، ضربه^۵ خرد کننده ای به نهادهای سیاسی -
 مذهبی جامعه، وارد ساخت.

مآخذ: اشعار و آثار کاملی که نمایانگر اندیشه های مترقی این

۱- دیستان المذاهب - تعلیم هشتم (ونیز) تاریخ عباسی -
 جلال الدین محمد یزدی - نسخه خطی -
 ۲ - روضه الصلویه - ص ۳۹۲.

شاعران و نویسندگان باشد، در دست نیست و این، البته "سیاست کتابسوزان" و "پاکسازی فکری" که در آن عصر رواج داشت، قابل توجه می‌باشد. تذکره نویسان "وابسته"، آنجا که ناگزیرند از این متفکران و شاعران یاد کنند، فقط به ذکر اشعار "مستحسن" و "منتخب" آنها، بسنده کرده اند.

"صادقی کتابدار" ضمن تأکید بر نبوغ نویسندگی و قصه خوانی "نثری گیلانی" می‌نویسد که: "نثری گیلانی" بسیار بد عقیده بود و سخنان ملحدانه میگفت و بر اثر شامت و بد اعتقادی خود، بدست پسر "سلطان شرف الدین" بقتل رسید. (۱)

بسیاری از شاعران و اندیشمندان "پسیخانی"، به خاطر تعقیب و شکنجه پاداران دین و دولت، به هندوستان و نواحی دیگر گریختند. یکی از تذکره نویسان می‌نویسد: ... چون "شاه عباس ماضی صفوی" اکثر این شردمه ضاله را بقتل آورد، در شهر، بهر که گمان این اعتقاد بود، به خاک هلاکت افکند. ... بیشترین جلای وطن گزیده و به اطراف و جوانب منتشر شدند و عده ای از آنها، در اختفا و استتار کوشیدند. (۲)

از جمله متفکران و روشنفکران "پسیخانی" که از ایران گریختند میتوان از شاعران و نویسندگان زیر نام برد:

محمد شریف وقوعی نیشابوری - علی اکبر تشبیهی - محمد

۱ - مجمع الخواص - ص ۲۹۴.
 ۲ - مآثر الأمراء - نواب صمصام الدوله، شاه نواز خان - ص ۲۹۵.

صوفی آملی - حکیم عبادالله کاشانی - عبدالغنی یزدی و میرشریف
آملی.

مؤلف " مآثر الامراء " می نویسد: "... میرشریف آملی " فردی
اندیشمند و آزاده بود که دارای تفکری " علمی " بوده و انسان را خدا
میدانست. (۱)

" عبدالقادر بداوینی " در باره " علی اکبر تشبیهی " یادآور
میشود: " تشبیهی " دو سه مرتبه به هندوستان آمده و رفته، و در این
ایام بازآمده و دعوت به الحاد مینماید و مردم را به کیش " پسیخانی "
می خواند. ... " بداوینی تاءکید میکند: ... در رساله ای که " تشبیهی "
به او داده است، " محمود پسیخانی " را خدا دانسته. در این رساله،
بجای " بسم الله الرحمن الرحیم " گفته شده: " استعن بنفسک الذی
لالله الاهو (= از " خویشتن " یاری جوی! زیرا که غیر از تو، نیرو
و خدائی نیست) (۲)

اشعار " تشبیهی "، نماینده خشم و نفرتی است که مردم زمانش،
سبت به " شاه عباس " داشتند:

اگر بتاج و علم، پادشاه می نازد
بگو چه فرق میان تو و میان خروس
و گویا دهنده، پریاد میکند خود را
چه بانگ تنبک طفلان، چه غرنیش کوس (طبل بزرگ)

۱ - مآثر الامراء - ج سوم - ص ۲۸۵.
۲ - منتخب التواریخ - ج ۳ - ص ۶ - ۲۰۴.

وگر، به سکه بود مفتخر، چه فایده‌نیز

از آنکه نام کسی را کنند نقش فلوس (سکه‌بی ارزش)

" تشبیهی " انسانی آگاه و شاعری آزاده بود، او با اعتقاد

به " انسان خدائی " تاءکید میکرد که انسان، خود، خدای خویش

است و سجود و پرستش خدایان افسانه‌ای را انکاری نمود:

بحر کرمم، منت جود که برم؟

محو عدمم، نام وجود که برم؟

گویند: سجود پیش " حق " باید کرد

چون من همه " حق " شدم، سجود که برم؟

*

سرکوبی و پایان نهضت " پسیخانیان "، بمنزله " پایان اندیشه‌های " علمی "

و " انسان خدائی " نبوده، بلکه، خاموشی این ستاره‌های انقلاب و اندیشه، خود،

طلیعه " خورشید روشنی بوده است. با اعتقاد به این اصل " دیالکتیکی "

است که " تشبیهی " مرگ را آستان تولد دیگری میدانند و به حرکت

تکاملی تاریخ، عمیقاً " ایمان دارد:

مارا چو آفتاب، مساوی است مرگ و زیست

گرشام مرده ایم، سحر زنده گشته ایم...

کتابشناسی و منابع

الف

- احسن التواریخ - حسن بیک روملو - بسعی و تصحیح چارسن .
نارمن . سیدن - کتابخانه صدر .
از سعدی تا جامی - ادوارد براون - ترجمه و تحشیه علی اصغر
حکمت - ابن سینا .
از سقراط تا ارسطو - شرف الدین خراسانی (شرف) - دانشگاه
ملی ایزان .
انجیل یوحنا - باب اول .

ب

- بررسی های تاریخی (مجله) - سال چهارم - مقاله دکتر
محمد جواد مشکور .
بستان السیاحه - حاج زین العابدین شیروانی - طهران ۱۳۱۵ق .

پ

- پرتو اسلام - احمد امین - عباس خلیلی - انتشارات علمی .
پسیخانیاں یا نقطویان - دکتر صادق کیا - ایران کوده .

ت

- تاریخ الجاپنو - ابوالقاسم عبدالله بن محمد القاشانی - به
اهتمام مبین هبلی - بنگاه ترجمه و نشر کتاب .
تاریخ اجتماعی کاشان - حسن نراقی - دانشگاه تهران .
تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا مشروطیت - ادوارد براون -

- رشید یاسمی - ابن سینا .
 تاریخ الفی - احمد دبیلی تتوی - نسخه خطی
 تاریخ ایران - پیکولوسکایا و پتروشفسکی و . . . - کریم کشاورز -
 مؤسسه مطالعات و تحقیقات علوم اجتماعی .
 تاریخ جدید یزد - احمد بن حسین بن کاتب - بکوش ایرج
 افشار - فرهنگ ایران زمین .
 تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران ، از مرگ تیمور تا مرگ شاه
 عباس - ابوالقاسم طاهری - جیبی .
 تاریخ گیلان و دیلمستان - سید ظهیر الدین مرعشی - تصحیح
 و تحشیه منوچهر ستوده - بنیاد فرهنگ .
 تاریخ گیلان - عبدالفتاح فومنی - تصحیح عطاءالدین - فروغی .
 تاریخ مبارک غازانی - رشید الدین فضل الله - بسعی و اهتمام
 کارل یان - چاپ انگلستان .
 تاریخ مختصر ایران - پاول هرن - رضا زاده شفق - بنگاه
 ترجمه و نشر کتاب .
 تاریخ مغول - عباس اقبال آشتیانی - امیر کبیر .
 تاریخ و صاف - و صاف الحضرة - ابن سینا .
 تحریر تاریخ و صاف - عبدالمحمد آیتی - بنیاد فرهنگ .
 ترکستان نامه - بارتولد - کریم کشاورز - بنیاد فرهنگ .
 ترکات تیموری - ابوطالب حسن تربتی - انتشارات اسدی .
 تذکره میخانه - ملا عبدالنبی فخرالزمانی قزوینی - باهتمام
 احمد گلچین معانی - اقبال .

ج

- جامع التواریخ - رشید الدین فضل الله - بکوش بهمن
 کریمی اقبال .
 جهانگشا - عظاملک جوینی - تصحیح محمد قزوینی -
 اسماعیلیان .

ح

حبیب السیر - خواند میر - یا مقدمه جلال همائی - خیام .

خ

خلاصه الاشعار وزیده الافکار - تقی الدین کاشی - نسخه خطی
مجلس شورای ملی .

د

دانشمندان آذربایجان - محمد علی تربیت - چاپ مجلس .
دبستان المذاهب - ملامحسن فانی - چاپ بمبئی .
دیوان خواجوی کرمانی - بتصحیح احمد سهیلی خوانساری -
کتابفروشی بارانی و محمودی .
دیوان فارسی فضل الله نعیمی و عمادالدین نسیمی - به اهتمام
پروفسور رستم علی اف - دنیا .

ذ

ذیل جامع التواریخ - حافظ ابرو - حواشی و تعلیقات خان -
بابا بیانی - انجمن آثار ملی .

ر

رسایل شاه نعمت الله ولی - بکوشش جواد نوربخش - خاتقاه
نعمت الهی .

روضه الصفا - میر خواند - پیروز .
روضه الصفا ناصری - رضا قلی خان هدایت - پیروز .
روضه الصفویه - میرزا بیگ بن حسین حسینی جنادی - نسخه خطی

ز

زندگانی شاه عباس اول (سه جلد) نصرالله فلسفی - دانشگاه تهران .

زندگانی شگفت انگیز تیمور - ابن عربشاه - محمد علی نجاتی -
 نگاه ترجمه و نشر کتاب .

س

سفرنامه - کلاویخو - مسعود رجب نیا - نگاه ترجمه و نشر کتاب .
 سیاحت نامه - شاردن - محمد عباسی - امیر کبیر .
 سیاست نامه - خواجه نظام الملک - بتصحیح جعفر شعاروحی .

ص

صفوت الصفا - ابن یزار - چاپ سنگی - کلکته .

ع

عالم آرای صفوی - مؤلف ناشناس - بکوشش یدالله شکری -
 بنیاد فرهنگ .
 عالم آرای عباسی - اسکندر بیگ منشی - بکوشش ایرج افشار -
 امیر کبیر .
 عرفات عاشقین - تقی الدین اوحدی - نسخ خطی کتابخانه ملک .
 عمادالدین نسیمی - حمید آراسلی - چاپ باکو .

ف

الفرق بین الفرق - ابو منصور عبدالقاهر بغدادی - باهتمام محمد
 جواد مشکور - کتابفروشی حقیقت .
 فرهنگ ایران زمین - مقاله هلموت ریتر - ترجمه حشمت
 مؤید - سال ۴۸ .

ک

کشاوری و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول - بطروشفسکی -
 کریم کشاورز - دانشگاه تهران .

گ

گیلان - کریم کشاورز - ابن سینا .

م

مآثر الامراء - نواب مصطام الدوله شاه نوار خان - بتصحيح
ميرزا شرف علمي - چاپ کلکته .
مجتمع التهانى و محضر الامانى - محمد طوسى - نسخه خطى
کتابخانه ملک .
مجمع الخصاوص - صادقى کتابدار - عبدالرسول خيامپور -
چاپ تبريز .
مجله فصیحى - احمد بن جلال الدين محمد فصیحى خوافى -
تصحیح محمود فرخ - باستان (مشهد) .
مطلع السعدين و مجمع البحرين - کمال الدين عبدالرزاق -
سمرقندى - بتصحيح محمد شفيح - چاپ لاهور .
مقدمه - ابن خلدون - محمد پروين گنابادى - بنگاه ترجمه و
نشر کتاب .
مکاتبات رشیدی - رشیدالدین فضل الله - به اهتمام محمد -
شفيح - چاپ لاهور .
منتخب التواريخ - عبدالقادر بدائونى - چاپ کلکته .

ن

نفائس الارثام - محمود دهدارى - نسخه خطى مجلس
شورای ملی .
نفائس الفنون فى عرايس العيون - شمس الدين محمد
آملی - اسلاميه .
نفحات الانس - عبدالرحمن حامى - چاپ کلکته .
نقاوه الاثار فى ذکر الاخبار - محمود افوشته اى نظرى - به

اهتمام دکتر محمد احسان اشراقى - بنگاه ترجمه و نشر کتاب .
نهضت سرداران خراسان - بطروشفسكى - کریم کشاورز - پیام .

و

واژه نامه گرگانى - دکتر صادق کیا - دانشگاه تهران .

ه

هفت اقلیم - احمد امين رازى - انتشارات علمى .

